

درآمد

منظر و مسکن

سید امیر منصوری

خانه سنتی محصول عالی تمدن ایران است. جنبه‌های ضروری برای ایجاد مسکن امن، راحت، زیبا و آرام‌بخش در خانه ایرانی گرد هم آمده است. اگر چه شرایط زندگی مدرن و تغییر شرایط ساخت و ساز در شهرها اجازه تداوم سنت معماری در ساخت مسکن امروز را نداده، ولی فراوانی نمونه‌های مسکن سنتی در شهرهای تاریخی و روستاهای کشور، که ناشی از قدمت فرهنگ و تمدن ایران است، همچنان امکان درس‌آموزی از تجربه گذشتگان را زنده نگاه داشته است.

مهم‌ترین و ماندگارترین ادراک حاصل از تجربه حضور در خانه ایرانی «حال» آن است. آن‌گاه که ناظر از هشتی ورودی و دالان پشت آب عبور می‌کند و منظره حیاط را از فراز پله می‌بیند، این «حال» آغاز می‌شود. زندگی در خانه و تجربه عصرگاه در ایوان، تماشای حوض از خلال پنجره‌ای که تا نزدیک زمین پایین آمده، انجیر و اناری که از درختان باغچه کنار حوض می‌چیند، دست و رومی که در آب حوض می‌شوید، آسمانی که با لبه‌های مستدام حیاط قاب شده است، نقش گل‌ها و درختان اساطیری که بر کاشی‌ها و گچبری‌ها پیداست، صحنه‌های خاطره‌ساز و معنادار به خانه است. تعادل روحی ناشی از «تجربه حضور» در فضای خانه و «تماشای طبیعت گزیده»، که از انطباق ویژگی‌های سرشت انسانی با منظره‌سازی خانه پدید آمده، شغف و آرامشی را در ناظر می‌آفریند که «حال» خانه است.

فضای بسته در خانه ایرانی، اگرچه به لحاظ مهندسی و هنرمندی فاخر و از افتخارات تمدن ماست، لکن در آفرینش «حال» خانه نقش دوم را دارد. این روشن می‌سازد که هدف اولیه شکل‌گیری خانه در فرهنگ ایرانی مسلمان سرپناه نبوده است؛ بلکه خانه واجد صفاتی است که فلسفه وجودی آن‌ها را ارضای حس مالکیت، پنهان شدن از غیر، پناه از سرما و گرما، امنیت در برابر بیرون و نمایش اقتدار نمی‌توان دانست.

فرایند طراحی مسکن ایرانی گویای آن است که حضور منظر (عناصر گزیده طبیعت) در خانه، هنجار شکل‌یابی آن را تحت تأثیر خود آورده است. از این روست که کانسپت خانه ایرانی الگوی منظرین دارد. فلسفه این اقدام نیز به نقش منظر در فرایند ادراک انسان باز می‌گردد. منظر نزد ایرانیان واجد دو وصف جمالی و کمالی است. جمال (زیبایی) طبیعت به قرینه طبع و سرشت انسانی، حس (ادراک) می‌شود؛ و کمال (معنا) آن که به روایت اسطوره‌ها، آیین‌ها و ادیان ایرانیان ادراک می‌شود. از این روست که مفهوم خانه برای ایرانیان فراتر از مکان امن و سرپناه بوده است. پدید آمدن «حال» در خانه ایرانی نتیجه اجتماع صفات جمالی و کمالی آن است. روش ایرانیان برای دست‌یابی به این هدف اتخاذ الگوی منظرین برای مسکن بوده است؛ زیرا اعتقاد داشته‌اند:

منظر، جوهر «حال» و موجب آفرینش آن در خانه ایرانی است.
دقت در فرایند طراحی مسکن ایرانی و صورت عناصر اصلی خانه این فرضیه را اثبات می‌کند:



● حیاط در خانه ایرانی هندسه کامل دارد، درحالی‌که عرصه (زمین) آن نامنظم است. این خصوصیت گویای آن است که طرح‌اندازی خانه از حیاط آغاز می‌شود. معمار در نخستین اقدام، حیاط خانه را با شکلی کامل در میانه زمین مکان‌یابی می‌کند و در قدم بعد فضاهای پوشیده (نیم بسته) و بسته را گرداگرد آن طرح می‌کند. آغاز طراحی مسکن از حیاط، نشانه اصلی بودن و اهمیت نقش آن است که مرکز فضا و مفصل همه عناصر خانه است. از سوی دیگر دارا بودن هندسه کامل برای حیاط شرط اصلی است؛

زیرا زیبایی‌شناسی کلاسیک ایرانی هندسه کامل را معادل زیبایی‌شناسی قلمداد می‌کند. این که حیاط باید هندسه راست گوشه داشته باشد از چنان اهمیتی برخوردار است که پیش از هر اقدام دیگر در معماری خانه به آن پرداخته می‌شود تا امکان تحقق آن فراهم آید. در این فضا حس زیبادوستی انسان ارضا می‌شود.



● حیاط خانه ایرانی گزیده نمادین طبیعت است. آب، درخت، گل و پرند اجزای اصلی منظره‌سازی آن است. ساماندهی حیاط با عناصر منظر شرط اصلی در معنابخشی و ایجاد حس زیبایی در آن است. حیاط، که نقش اصلی را در فضا سازی خانه بر عهده دارد، با منظره‌سازی طبیعت‌گرا و سمبلیک کامل

می‌شود.



۳ ایوان در مسکن سنتی ایران، نظرگاه و تماشاخانه طبیعت است. سکویی، چند پله بالاتر از حیاط، در محور آن ساخته می‌شود. روی آن با طاقی پوشیده شده تا بدیع‌ترین و اصیل‌ترین عنصر معماری، که ارمغان ایرانیان به جهان است، را پدید آورد. ایوان جنوبی برای استراحت عصرگاه در جوار طبیعت و حظ بردن از منظره حیاط و ایوان شمالی برای استفاده از آفتاب زمستان در برابر مینیاتور طبیعت است. ایوان در معماری مسکن از جمله مهم‌ترین عناصر آن است که اغلب نقش اصلی را

در تبلور فضایی خانه بر عهده می‌گیرد. این امر معمولاً به واسطه هنرنمایی معمار در طراحی پوشش ایوان و بهره‌گیری از ستون‌های رفیع در لبه مجاور حیاط صورت می‌گیرد. منظره حیاط از ایوان مهم‌ترین خاطره مشترک اهل خانه است. ایوان در خانه‌های اقلیم معتدل و مرطوب شمال ایران که به صورت کوشک ساخته شده باشد، دور تا دور ساختمان را در بر می‌گیرد تا ساکنان خانه بتوانند در همه حال از بیرون و منظره حیاط بهره‌برند.



۴ مهتابی و صفا مکانی است برای زندگی در فضای باز و در جوار حیاط. مهتابی روباز است و با بدنه‌ای از اتاق‌ها یا دیوار از سه بر محصور شده و سمت مقابل حیاط آن گشوده است. تماشای حیاط از فراز صفا و دیدن تاج درختان کاج و سرو یا انار و انجیر و لمس شاخه‌های مو که از لبه مهتابی بالا آمده منظره‌سازی خاص مهتابی است. بخشی از زندگی ایرانی در فضای بیرونی برنامه‌ریزی شده و برای زیباسازی و معنا بخشی به آن که لازمه اهداف مسکن است تلفیق با طبیعت و منظره‌سازی طبیعت‌گرایانه برای آن برگزیده شده است.

۵ سه‌دردی یا پنج‌دردی، اتاق اصلی خانه در سمت شمال حیاط است. پنجره‌های این اتاق تا کف پایین آمده و موجب ورود آفتاب زیاد به



داخل اتاق می‌شود که در اقلیم مرکزی ایران مزاحم است. علی‌رغم این نتیجه، معمار ایرانی اصرار زیادی بر حفظ ارتفاع بلند پنجره‌ها دارد. برای حل مسئله ناشی از بزرگ شدن پنجره‌ها، تابش‌بند را ابداع کرده است تا با عمق بخشیدن به پنجره، از ورود مستقیم آفتاب به داخل جلوگیری کند. این اصرار متناقض (پارادوکسیکال) برای چیست؟ اگر آفتاب اقلیم گرم در این سمت حیاط مزاحم است چرا روزن‌ها حداقلی نشده است؟ زیرا منظره حیاط از داخل اتاق برای کسی که بر زمین نشسته و به دیوار روبرو تکیه کرده، «حال» آفرین است. پنجره در این اتاق قاب منظر است و نه نورگیر. پنجره بخشی از منظر حیاط را تحت زوایای خاص پیش چشم اهل خانه فراهم می‌کند و به این ترتیب تفسیری خاص از منظر، که خاطره مشترک ساکنان را می‌سازد، روایت می‌شود.



۶ آسمان خانه سهمی اساسی در درک «حال» مسکن دارد. منظر آسمان در طول روز آبی شفاف است که با لبه پیوسته حیاط قاب شده است. آبی دل‌انگیزی که در قابی خاکی رنگ جای گرفته و با کاشی‌های لاجوردی دندان‌های در لبه آجری دیوار حیاط رسوخ کرده است. سیمای شبانه آسمان با جشن ستارگان و منظر بی‌نهایت آن در زمینه لاجوردی تیره صحنه ناب دیگری است که «حال» خانه را می‌آفریند. قاب متصل دیوارهای حیاط با محصوریت کامل آن که جز آسمان هیچ چیزی از

پس آن پیدا نیست، منظری اتفاقی نیست. آن‌گاه که مهتابی بدنه حیاط را در قسمتی از آن عقب‌تر می‌برد لازم می‌آید تا دیوار گرد آن ارتفاعی بگیرد تا قاب آسمان دچار شکست نشود و همچون حیاط، هندسه‌ای کامل داشته باشد.

۷ تزئینات خانه، همچون سایر عناصر معماری ایرانی نقش طبیعت است بر دیوارها؛ طبیعتی که حامل معناست و وجودش در فضای خانه آرامش و برکت می‌آورد. رنگ آبی برگرفته از آسمان و نقش گل‌ها و گیاهان اسطوره‌ای و محیطی دامنه منظر را تا قلب خانه می‌کشاند.



مسکن امروز مردمانی که هزاران سال در خانه‌های با «معنا» و با «حال» زندگی کرده‌اند به سرپناهی حداقلی بدل شده است. برخی این عارضه را در ذات شکل آپارتمان و خانه‌های بلندمرتبه می‌دانند. اما نمونه‌های زیادی را در دنیا می‌توان یافت که آپارتمان‌های مجتمع مسکونی متناسب با شرایط خود، فضاهای فراغتی در ارتفاع پدید آورده‌اند که به مسکن روح می‌بخشد و آن را از خوابگاه ممتاز می‌سازد. تجربه معماری ایران به گواهی مختصری از فرهنگ خانه‌سازی که شرح آن آمد، پشتوانه خوبی است که سازندگان، مدیران و تصمیم‌گیرندگان انبوه‌سازی مسکن با بهره‌گیری از آن خانه‌هایی بسازند در خور انسان و زندگی معنوی او.

منبع تصاویر:

غضنابپور، جاسم (۱۳۷۵)، *خانه ایرانی*، تهران: سازمان ملی زمین و مسکن، آرشیو نگارنده.

www.armanshahr.org